

طرح مجدد بورس نفت؛ | این بار موفق یا همچنان ناموفق

با خروج آمریکا از برجام و بازگشت مجدد تحریم‌ها علیه صادرات نفت ایران، بار دیگر طرح عرضه نفت خام در بورس، پس از دو دهه روی میز کار دولت قرارگرفته و این در حالی است که برخی معتقدند این بورس هم دواي درد تحریم نفت است و هم تا حدودی کاهش ارزش پول ملی را حل می‌کند؟



طرح بورس نفت، اولین بار دو دهه قبل مطرح شد و در مراحل مختلف با واکنش مثبتی از سوی فعالان بخش خصوصی مواجه نشد پیش از هر چیز باید به این پرسش پاسخ داده شود که هدف از اجرای این طرح چیست کشف قیمت حقیقی نفت، دور زدن تحریم‌ها یا کنترل نقدینگی جامعه؟

**** کشف قیمت با معاملات کاغذی نه معاملات فیزیکی**
در بازارهای مختلف، معاملات نفت به دو صورت فیزیکی و کاغذی (مشتقات) انجام می‌شود. اگر هدف دولت از راه‌اندازی بورس نفت صرفاً کشف قیمت نفت باشد، معامله‌های فیزیکی در بورس با قراردادهای spot بی‌فایده است و این معاملات کاغذی با قراردادهای آتی (futures) است که به کشف قیمت نفت منجر خواهد شد. لزوماً در این معامله‌ها نفتی صادر و جابه‌جا نمی‌شود و صرفاً معامله روی کاغذ است.

برای مثال نیم‌نگاهی به بورس انرژی دومی (DME) و معاملات نفت خام در این بورس به ما نشان می‌دهد در حال حاضر قیمت‌گذاری این فرآورده‌ها در منطقه، بر اساس قیمت‌های مورد معامله در این بورس صورت می‌پذیرد. این در شرایطی است که حجم تولید و صادرات کشورهای منطقه بسیار بیشتر از امارات بوده و قیمت‌گذاری در این بورس، بر مبنای نفت خام عرضه‌شده توسط کشور عمان صورت می‌گیرد که خود از خریداران با تخفیف نفت از ایران است. پس با توجه به حجم و شرایط معامله‌ها این قیمت‌گذاری چندان مورد اطمینان و دقیق نیست.

برای انجام قراردادهای آتی، پالایشگاه‌های داخلی باید پوشش ریسک انجام دهند که پوشش ریسک برای پالایشگاه‌های ایران اصلاً امکان‌پذیر نیست. همچنین برای ارتباط با بورس‌هایی مثل روسیه، چین و هند هم نیاز به کارگزاری‌های متخصص و ارتباطات بانکی مشخص داریم.

**** کنترل نقدینگی افسارگسیخته**

در شرایط فعلی ایران کمتر کسی است که متوجه حجم عظیم و مشکل‌آفرین نقدینگی و تلاطم هرروزه در بازارهای مختلف از قبیل سکه، ارز و... نشده باشد. یکی دیگر از انگیزه‌های دولت از راه‌اندازی بورس نفت جمع‌آوری نقدینگی از جامعه و هدف دهی به آن در مسیر صحیح برای کمک به رشد و توسعه کشور است؛ اما عدم ثبات و تضمین نشدن سود در بورس نفت، از موانع بزرگ اقبال سرمایه داران و شکل‌گیری این طرح است.

**** دور زدن تحریم فروش نفت**

به نظر می‌رسد هدف اصلی دولت از راه‌اندازی بورس نفت، بیشتر معاملات فیزیکی نفت برای مقابله با تحریم فروش نفت ایران باشد. هرچند بازهم این مشکل وجود دارد که از نگاه آمریکا تفاوتی بین صادرات دولت ایران با بخش خصوصی نیست. تحریم ترامپ علیه خرید نفت تولیدی ایران انجام‌گرفته، حتی به فرض موفقیت چند شرکت انگشت‌شمار در صادرات نفت در کوتاه‌مدت، به‌راحتی می‌توان در بلندمدت این افراد و شرکت‌ها را شناسایی و مورد تحریم قرارداد و جایگزینی سریع امکان‌پذیر نخواهد بود.

**** آیا بخش خصوصی به بورس نفت واکنش مناسب نشان می‌دهد؟**

بخش خصوصی برای معاملات فیزیکی نفت، توان و سرمایه لازم را ندارد و همین‌طور پذیرش ریسک تحریم شدن، تأمین بیمه‌های بین‌المللی، هزینه حمل‌ونقل دریایی و خرید یا اجاره نفت‌کش‌ها از توان این بخش خارج است. اقتصاد نفت و انرژی مبحثی بسیار تخصصی است، بخش خصوصی باید نفت را در بازار ایران خریده و در بازارهای بین‌المللی بفروشد و نقش کارگزار معامله را بازی کند، به‌ندرت می‌توان در بخش خصوصی فعالان اقتصادی خبره‌ای را پیدا کرد که دانش و توانایی صادرات و بازاریابی نفت در این بازارها را داشته باشند. از طرف دیگر نمی‌توان انتظار داشت تقاضایی از جانب عموم و یا دیگر شرکت‌های فعال در بورس برای ورود به این بخش صورت بگیرد.

**** چالش‌ها و اقدامات ضروری دولت پیش از اجرای طرح**

مهم‌ترین چالش دولت در این طرح درس گرفتن از اشتباهات گذشته، پرهیز از قیمت‌گذاری و اعتماد کردن به ساختارهای عرضه و تقاضاست؛

عاملی که غفلت از آن در سالیان گذشته موجب شد این طرح توسط همان اندک شرکت‌های ثبت‌نام کننده و متقاضی بورس نفت هم با استقبال مواجه نشود.

گسترش نقاط تحویل نفت خام توسط دولت در جهت تسهیل صادرات اقدام دیگری است که باید انجام شود. در حال حاضر عمده صادرات نفت ایران از خلیج فارس و پالایشگاه‌های جنوب کشور صورت می‌گیرد و باوجود ذخایر دریای خزر، ایران تنها کشور در میان پنج کشور این حوزه است که هیچ بهره‌ای از ذخایر نفت و گاز آن نمی‌برد و همسایگان شمالی با توافقات دوجانبه و سه‌جانبه در حال بهره‌برداری از آن هستند.

چالش دیگر قانون‌گذاری است. برای مثال قانون جدید بازار اوراق بهادار که در سال 1384 تصویب شد و ضوابط این بازار می‌تواند در سطح قانون (مجلس شورای اسلامی) یا مصوبه هیئت‌وزیران یا دستورالعمل‌های داخلی سازمان بورس تدوین شود. لازم است این‌گونه مقررات برای بورس نفت هم طراحی و اجرا شود.

**** فواید بورس نفت**

انجام معاملات در بورس‌های کالایی برای بخش خصوصی، معافیت از تشریفات مزایده و مناقصه و همچنین معافیت مالیاتی را در بردارد. معافیت 10 درصدی از مالیات بر درآمد حاصل از فروش کالا در بورس عامل جذابی است. از همه مهم‌تر بورس شفاف است، با توجه به تجربه ناخوشایند اقتصاد ایران در اواخر دهه 80 و سال‌های آغازین دهه 90 و رانت و فساد گسترده در این بخش، بورس با ساختاری شفاف و قابل رصد، علاوه بر کمک به خصوصی‌سازی، بستری رقابتی و سالم را فراهم می‌کند تا از تکرار چنین تجربیاتی جلوگیری شود.

**** اقتصاد مقاومتی و کاهش ضربه‌پذیری کشور**

هم‌اکنون مصرف‌کنندگان حامل‌های انرژی در اتحادیه اروپا (خصوصاً اروپای شرقی) قیمت این محصولات را با یورو پرداخت می‌کنند؛ درحالی‌که در بازارهای جهانی، نفت خام با دلار آمریکا دادوستد و قیمت‌گذاری می‌شود. با توجه به نوسان یورو در برابر دلار آمریکا و بروز جنگ تجاری بین آمریکا و اروپا، قیمت این فرآورده‌ها از نوسان نرخ دلار متأثر است. این در حالی است که عرضه نفت خام صادراتی با تسویه ارزی یورویی در بورس انرژی ایران، موجب می‌شود نظر اروپایی‌ها به این بورس جلب شود؛ و دست ایران (با توجه به تحریم‌های آمریکا و نوسان نرخ دلار) در تأمین ارز بازتر خواهد بود؛ همچنین وابستگی کشور به دلار و ضربه‌پذیری اقتصاد کاهش می‌یابد و

مانند تحلیل‌هایی که از بورس نفت چین صورت می‌توان گرفت، این طرح می‌تواند باعث تقویت ارزش پول ملی ایران شود.

گزارش از امیرحسین گنجی مراد